

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye- Pazhooresh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه | محمدهادی توکلی
| ۳۲۱-۳۳۹ |

۳۲۱

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

چکیده: کتاب سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ به پیوست: رساله طرائف الحکمة به کوشش امیرسعید الهی و مجتبی مقدسی (تهران: سفیر اردهال، ۱۴۰۳ش) به معرفی یکی از چهره‌های کمتر شناخته شده اما تأثیرگذار حکمت و عرفان در عصر قاجار، یعنی سیدرضی لاریجانی اختصاص یافته است؛ همچنین دربردارنده تصحیح اثری منسوب به وی با عنوان «طرائف الحکمة» است. افزون بر اینکه این کتاب، رساله‌ای را از یکی از مهم‌ترین حکیمان و عارفان روزگار قاجار در دسترس قرار داده است، بیشتر آنچه درباره سیدرضی لاریجانی گفته و نقل شده، در آن تجمیع شده است. با وجود این، نقاط ضعفی در این کتاب مشاهده می‌شود که این نوشتار در پی آن است تا در خصوص سیدرضی لاریجانی، نکات تکمیلی - و گاه مغفول مانده - را یادآور شود.

کلیدواژه‌ها: سیدرضی لاریجانی، طرائف الحکمة، قاجاریه، مکتب عرفانی.

A Critical Review of Sayyid Razi Larjani and the Tehran School of Mysticism
Mohammad-Hadi Tavakkoli

Abstract: The book *Sayyid Razi Larjani and the Tebran School of Mysticism, with an Appendix Containing the Treatise Tarā'if al-ḥikma*, edited by Amir-Saeid Elahi and Mojtaba Moqaddasi (Tehran: Safir-e Ardehal, 1403 Sh./2024–2025), introduces Sayyid Razi Larjani, a lesser-known yet influential figure in philosophy and mysticism during the Qajar period. It also contains a critical edition of a work attributed to him entitled *Tarā'if al-ḥikma*. In addition to making available a treatise attributed to one of the most important philosophers and mystics of the Qajar period, the book brings together most of what has been said and reported about Sayyid Razi Larjani. Nevertheless, the book has certain shortcomings. The present article seeks to offer supplementary—and at times previously overlooked—observations concerning Sayyid Razi Larjani.

Keywords: Sayyid Razi Larjani, *Tarā'if al-ḥikma*, Qajar dynasty, school of mysticism.

مقدمه

احیای میراث فکری حکیمان و عارفان در روزگار زندیه و قاجاریه، ضرورتی بنیادین در مسیر شناخت تطور حکمت و عرفان اسلامی است؛ ضرورتی که به‌ویژه در بررسی نحوه گسترش اندیشه‌های صدرالمتألهین شیرازی و همچنین در فهم چگونگی تداوم و تحول آموزه‌های عرفانی پیروان مکتب ابن عربی نقش مؤثری ایفا می‌کند. بعد دیگری که اهمیت احیای این آثار را آشکار می‌کند، آن است که در همین دوره، تلاش‌های دامنه‌داری برای تلفیق میراث روایی اهل بیت (ع) با تعالیم فلسفی و عرفانی انجام گرفت؛ گویی که برخی از حکیمان درصدد بازسازی کلان‌ساختار اندیشه حکمی و عرفانی بر بنیان روایات دینی برآمدند. افزون بر دو بُعد یادشده، برخی از آثار حکیمان و عارفان آن برهه از تاریخ، اطلاعات تاریخی مهمی را دربر دارند که می‌توانند در بازسازی فضای فکری و شناسایی شخصیت‌های مؤثر در آن روزگار یاری‌مان دهند.

سیدرضی لاریجانی از تأثیرگذارترین حکیمان الهی عصر قاجار است؛ با این حال، جایگاه وی در تاریخ حکمت و عرفان اسلامی ایران، چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. اهمیت بازشناسی نقش وی، زمانی آشکارتر می‌شود که سیر تطور اندیشه‌های الهیاتی در ایران از دوره صفویه تا قاجاریه بررسی شود. در عصر صفوی، گرچه حکمت الهی در حوزه‌های درسی حضوری پررنگ داشت، این حضور همگون و یک‌دست نبود. پس از روزگار صفویه، در دوران افغانه، افشاریه و زندیه، حوزه‌های الهیاتی در قالب‌های محدود و پراکنده ادامه یافت. در این فضای فترت، تنها شماری اندک از حوزه‌های حکمی در نقاط خاصی از ایران فعال بودند. با آغاز عصر قاجار و ظهور شخصیتی چون ملاعلی نوری، وضعیت دگرگون شد. وی با تمرکز بر تدریس حکمت متعالیه و پرورش شاگردان متعدد که به‌مرور به مناطق مختلف ایران اعزام شدند، زمینه رواج جریان صدرایی را فراهم کرد. در این دوره، تعالیم صدرالمتألهین به جریان مسلط حکمت در حوزه‌های علمی تبدیل شد؛ به گونه‌ای که حتی آموزه‌های عرفانی نیز در چارچوب تفکر صدرایی بازخوانی و آموزش داده می‌شدند.

در این میان، سیدرضی لاریجانی راهی متفاوت در پیش گرفت. وی با تدریس مستقیم آثار عرفانی محض همچون فصوص‌الحکم، آموزه‌های ابن عربی را به گونه‌ای اصیل و بدون درآمیختن با نگرش صدرایی به شاگردان خود منتقل کرد. این روش نه تنها تمایز مشرب فکری وی را نشان می‌دهد، بلکه بیان‌کننده نوعی مقاومت معرفتی در برابر سلطه بی‌رقیب حکمت متعالیه نیز هست. شاگرد برجسته وی آقامحمد رضا قمشه‌ای، این مسیر را ادامه داد و با تدریس و تحشیه متون عرفانی پیشاصدرایی، موجب تثبیت و نهادینه‌سازی «عرفان نظری» به مثابه یک رشته

درسی مستقل در کنار حکمت گردید. در نتیجه آثاری نظیر تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس به تدریج در زمره متون آموزشی حوزه‌های عرفانی قرار گرفتند. بدین سان نقش و جایگاه سیدرضی لاریجانی را باید در تقویت جریان اصیل عرفان ابن عربی در دل فضایی که به شدت تحت تأثیر نظام صدرایی بود، تحلیل کرد. با وجود چنین جایگاه تأثیرگذاری، خلأ یک پژوهش مستقل و جامع درباره وی تا سالیان اخیر همچنان محسوس بود. کتاب سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ به پیوست: رساله طرائف الحکمة به کوشش امیرسعید الهی و مجتبی مقدسی (تهران: سفیر اردهال، ۱۴۰۳ش) در رفع خلأ یادشده، نقش مؤثری را ایفا کرده است. این اثر نه تنها به معرفی یکی از چهره‌های کمتر شناخته شده اما تأثیرگذار حکمت و عرفان در عصر قاجار یعنی سیدرضی لاریجانی اختصاص یافته است، بلکه دربردارنده تصحیح یکی از آثار منسوب به وی با عنوان «طرائف الحکمة» نیز هست. ضمن قدردانی از این تلاش ارزنده و قابل استفاده برای علاقه‌مندان به میراث حکمیان و عارفان، در این نوشتار افزون بر ذکر نکاتی تکمیلی و جامانده، به برخی ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در آن اشاره می‌کنم.

۱. نکات از قلم افتاده

در این بخش، نکاتی ذکر می‌شوند که از چشم نویسندگان دور مانده‌اند یا از آن غفلت کرده‌اند؛ در حالی که پرداختن به آنها ضروری بوده است.

۱-۱. استادان سیدرضی لاریجانی

در خصوص استادان لاریجانی، نکاتی از چشم مؤلفان کتاب دور مانده است. افزون بر آن، در مواردی مستندات ذکر نشده‌اند که در اینجا مواردی را متذکر می‌شوم.

میرزا رفیع شیرازی یا میرزا ربیع شیرازی

در این کتاب به نقل از زنده‌یاد جلال‌الدین همایی چنین ذکر شده است: «سیدرضی لاریجانی فلسفه مشایی را نزد آخوند ملاعلی نوری تحصیل کرده بود؛ اما فلسفه اشراق و عرفان را نزد «میرزارفیع شیرازی» تحصیل کرد که در این فنون تبرز و براعتی خاص داشت».^۱

تاریخ‌نگاری این چنینی از مرحوم همایی و سایر بزرگواران همانند ایشان خالی از ایراد نیست؛ زیرا ایشان غالباً برای گزاره‌های تاریخی خود سندی ارائه نمی‌کنند و معلوم نیست که این گفته‌ها

۱. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۵۹.

حاصل حدس و اجتهاد شخصی آنان است یا مستند به مسموعات و منقولات شفاهی یا مضبوطات موجود در کتب پیشینیان؛ از همین رو گاه انتساب‌های نادرستی در آثار ایشان مشاهده می‌شود، مانند نسبت دادن تدریس فلسفهٔ مشاء به ملاعلی نوری که محل تردید است.^۱

با صرف نظر از این مسئله، سندی در خصوص تلمذ سیدرضی لاریجانی در نزد فردی به نام «میرزا ربیع شیرازی» در دست است که مورد توجه مؤلفان نبوده است؛ مرحوم علامه حسن‌زاده آملی در این باره چنین نگاشته است:

ساعت هشت صبح روز چهارشنبه ششم ربیع اول سنه هزار و سیصد و هفتاد و چهار هجری قمری، مطابق دوازدهم آبان ماه سنه هزار و سیصد و سی و سه هجری شمسی بود که در محضر انور استاد معظم، علامه بزرگوار آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی (رضوان الله علیه) شرح علامه قیصری ساوی بر فصوص الحکم شیخ اکبر طائی را درس می‌گرفتیم ... حضرت استاد (روحی فداه) از استادش آقامیرزا هاشم اشکوری و آن جناب از استادش آقا محمدرضا قمشه‌ای و آن جناب از استادش آقا سیدرضی لاریجانی و آن جناب از استادش آقا میرزا ربیع شیرازی حکایت فرمود که جناب میرزا ربیع شیرازی در ریاضت و سیر و سلوک بود، وقتی از هاتفی که خود او را ندیده می‌شنود:

ز عقل و هوش بیرون نزد ما آی که عقل و هوش را ره نیست آنجای^۲

ملاعلی نوری

در بحث از شاگردی سیدرضی نزد ملاعلی نوری، مؤلفان سند قابل توجهی ذکر نکرده‌اند؛^۳ درحالی‌که اعتمادالسلطنه او را «در حکمت متعالیه و فنون معقول از صننادید فحول و از شاگردان درجه اول فیلسوف اعظم ملاعلی نوری» معرفی می‌کند^۴ و آقاعلی حکیم، عبرت نائینی، میرزا طاهر تنکابنی نیز بر این شاگردی تصریح کرده‌اند.^۵ همچنین میرزا حسین تحویلدار

۱. ر.ک: همایی، آشتیانی؛ مقدمه بر شرح المشاعر؛ ص ۸۴.

۲. حسن‌زاده آملی؛ هزار و یک کلمه؛ ج ۵، ص ۲۵۳.

۳. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۵۷-۵۹ و ص ۷۷-۷۸.

۴. اعتمادالسلطنه؛ چهل سال تاریخ ایران؛ ج ۱، ص ۲۳۵.

۵. مدرس زنوزی؛ مجموعه آثار آقاعلی مدرس؛ ج ۵، ص ۱۱۷. مصاحبی نائینی؛ مدینه الادب؛ ج ۳، ص ۸۱. تنکابنی؛ زندگی‌نامه برخی از حکما، عرفا و متکلمان؛ ص ۱۱۴.

درباره او می‌گوید: «مقابلی با مرحوم ملا علی نوری می‌نمود، صاحب حال و ملک باطن، در اصفهان اهل و عیال پیدا نمود، الان اولادش در طهران متوقف و از جمله فضلا و معارفند».^۱

میرزا عبدالجواد شیرازی

در ضمن بحث از شاگردی سیدرضی نزد میرزا عبدالجواد شیرازی،^۲ این نکته که معلم حبیب‌آبادی از «میرزا عبدالجواد شیرازی» به عنوان استاد سیدرضی لاریجانی یاد می‌کند، از قلم مؤلف افتاده است.^۳

ملا اسماعیل واحدالعین

در این کتاب در ضمن بحث از تحصیل لاریجانی نزد ملا اسماعیل واحدالعین، سندی ذکر نشده است. سند این ادعا، مدینه‌الادب عبرت‌نائینی است که سیدرضی را از شاگردان ملا اسماعیل استاد که ظاهراً همان ملا اسماعیل واحدالعین است، معرفی کرده است.^۴

۱-۲. شاگردان سیدرضی لاریجانی

درباره شاگردان لاریجانی، حکیم جلوه و توجه به برخی از منابع از قلم افتاده است؛ افزون بر اینکه کم‌دقتی در نقل عبارات مشاهده می‌شود.

میرزای جلوه

در فصل یازدهم که مربوط به شاگردان سیدرضی است و پیش‌تر به آن اشاره شد، نامی از حکیم جلوه به میان نیامده است؛ درحالی‌که میرزا غلامحسین شیرازی در بیان احوال حکیم جلوه اشاره می‌کند: «... چندی هم نزد مرحوم حاجی سیدرضی حکمی، پدر مرحوم آقا سیدمحمد شمس‌الادبا ... تلمذ داشته است».^۵

ملا اسماعیل درب‌کوشکی

بر اساس نقل سیدابوالقاسم دهکردی، استاد وی یعنی ملا اسماعیل حکیم درب‌کوشکی، نزد

۱. تحویلدار؛ جغرافیای اصفهان؛ ص ۸۲.

۲. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۵۹.

۳. معلم حبیب‌آبادی؛ مکارم الآثار؛ ج ۶، ص ۱۹۵۷.

۴. مصاحبی نائینی؛ مدینه‌الادب؛ ج ۳، ص ۸۱.

۵. شیرازی؛ افضل‌التواریخ؛ ص ۱۰۷.

سیدرضی لاریجانی به تحصیل پرداخته است.^۱ در این کتاب هرچند به این شاگردی تصریح شده است،^۲ ناقل اصلی آن یعنی سیدابوالقاسم دهکردی، مورد توجه قرار نگرفته است.

آقاعلی حکیم

ظاهراً نویسنده محترم در بیان شاگردی آقاعلی حکیم نزد لاریجانی^۳ به طبع جدید تاریخ الحکماء آقاعلی حکیم دسترسی نداشته است؛ چراکه آقاعلی حکیم در این نوشتار در معرفی سیدرضی چنین گفته است: «آقاسیدرضی لاریجانی^۴ حکیمی خوش مذاق بود و به طریقه عرفان مایل بود و در طریقه مشاء نیز ماهر بود و از تلامذه ملاعلی نوری است و حقیر شرح هدایه صدرالمتألهین را در خدمت او خوانده‌ام».^۵ آقاعلی حکیم در همین کتاب، به شاگردی آقامحمدرضا قمشه‌ای نزد «حاجی سیدرضی» تصریح کرده است.^۶

۱-۳. بقایایی از آقاسیدرضی لاریجانی

تصویر سیدرضی لاریجانی

تصویری از سیدرضی لاریجانی با کیفیتی ضعیف در این کتاب منتشر شده که به گفته مؤلفان مربوط به سال ۱۲۶۱ قمری است و در آرشیو اسناد خانوادگی سیدرضی موجود است.^۷ متأسفانه مؤلفان از این آرشیو خانوادگی چندان یادی به میان نیاورده‌اند؛ حال آنکه مناسب بود این آرشیو در بخشی از این نوشتار، مستقل معرفی می‌شد.^۸ به هر حال آنچه در اینجا مورد توجه مؤلفان نبوده است، آنکه در ملاقات برخی از اعضای کنگره حکیم صهبا (آقامحمدرضا قمشه‌ای) با علامه حسن‌زاده آملی در تاریخ دوشنبه نوزدهم آبان ماه سال ۱۳۷۶، ایشان بیان کرده‌اند: «خوشبختانه عکس سیدرضی لاریجانی را دارم، عکس سیدرضی خیلی زیبا و وجیه است».^۹

۱. صدوقی‌سها؛ تاریخ حکما و عرفای متأخر؛ ص ۱۴۹-۱۵۰.

۲. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۴۳.

۳. همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۴. واژه به همین صورت ضبط شده است.

۵. مدرس زنوزی؛ مجموعه آثار آقاعلی مدرس؛ ج ۵، ص ۱۱۷.

۶. همان، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۷. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۶۸.

۸. در ص ۱۵۰ نیز در پاورقی چنین ذکر شده است: «برگرفته از نوشته‌های دکتر حسن صفوی نواده محمداسماعیل لاریجانی» که مؤلف هیچ توضیحی در خصوص آن مرقوم نکرده است.

۹. قمشه‌ای؛ مجموعه آثار حکیم صهبا؛ ص ۵۵.

آثار سیدرضی

در فصل پانزدهم به ادعای سیدجلال الدین آشتیانی در خصوص فقدان اثر از سیدرضی لاریجانی اشاره شده است.^۱ با توجه به شاگردی میرزا طاهر تنکابنی نزد دو تن از تلامیذ سیدرضی، یعنی مرحوم قمشه‌ای و جلوه، مناسب بود که این مطلب دست‌کم از زبان ایشان نیز نقل می‌شد. تنکابنی در خصوص سیدرضی می‌گوید: «... و از مؤلفات و مصنفاتش چیزی به نظر حقیر نرسیده».^۲

دو بیت شعر

در فصل سیزدهم که به «خطاهای پژوهشگران» معنون است، چنین ذکر شده است: کیومرث سپهر لاهیجی در کتاب گلزار سپهر دو بیت زیرا را به سیدرضی ... منسوب نموده‌اند آن دو بیت چنین‌اند:

ز فیض صبحدم دارم چو شمع از جانگدازی‌ها * دم گرمی که با خورشید دارد تیغ‌بازی‌ها
ز چشم تر نشان دل طلب گر بینشی داری * که نقش پای کس جز در ره نمناک ننشیند
مؤلفان با خطاخواندن انتساب این دو بیت به لاریجانی، برخی دیگر از منابعی را که این خطا را مرتکب شده‌اند، معرفی کرده‌اند.^۳

نکته تکمیلی مربوط به این مسئله که مؤلفان به آن التفات پیدا نکرده‌اند، مربوط به سراینده این دو بیت است. نصرآبادی در تذکره خود به فردی به نام «رضی الدین لاهیجی» اشاره می‌کند و این دو بیت را سروده او ضبط کرده است^۴ و با توجه به اینکه این تذکره در ۱۰۸۳ قمری و پیش از ولادت سیدرضی لاریجانی نگاشته شده، تفاوت میان دو «رضی» آشکار می‌گردد.

فرزندان لاریجانی

مؤلف محترم در برخی از آثار خود، غیر از کتاب مورد بحث، مطالب قابل توجهی در خصوص فرزندان لاریجانی ذکر کرده است که مناسب بود در این کتاب نیز به آنها اشاره می‌شد؛ به‌ویژه اینکه در برخی از

۱. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۶۷.

۲. تنکابنی؛ زندگی‌نامه برخی از حکما، عرفا و متکلمان؛ ص ۱۱۶.

۳. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۵۷ - ۱۵۸.

۴. نصرآبادی؛ تذکره نصرآبادی؛ ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

موارد همچون فرمان ناصرالدین شاه در تفویض تولیت امامزاده عبدالله در شهر ری، از میرزا جعفر لواسانی (حکیم الهی) به سید محمد شمس الادبای (فرزند سیدرضی و داماد میرزا جعفر) و نیز عقدنامه حلیمه بیگم (دختر سیدرضی و همسر پسر میرزا جعفر) از سیدرضی یاد شده است.^۱ در بین فرزندان سیدرضی لاریجانی، جناب شمس الادبای از چهره‌های مشهور دوران قاجاریه است که مورد توجه تذکره‌نویسان گرفته است؛ از جمله دیوان بیگی در حدیقة الشعراء در بیان شمس الادبای نگاشته است:

اسمش میرزا سید محمد [خلف] حاجی سیدرضی لاریجانی. پدرش از حکمای زاهد و عرفای عابد و از مشاهیر بودند. میرزا سید محمد نیز تحصیل انواع علوم کرده و شمس الادبای لقب یافته. صاحب مجمع الفصحا تمجید زیاد از ایشان کرده و شاعری را دون مراتب ایشان شمرده و قدری از اشعار ایشان نگاشته.^۲ نهایت ارتباط و صحبت هم میانشان بوده. اکنون هم که سال هزار و دویست و نود و هشت است، در دار خلافة طهران معزز و محترم می‌باشند.^۳

همان‌طور که دیوان بیگی بیان می‌کند، در مجمع الفصحا شرح احوال شمس الادبای با تمجید بسیار از او ذکر و اشعار متعددی از او ضبط شده است. در ضمن احوال شمس الادبای، از سیدرضی لاریجانی نیز یاد شده است:

پدر بزرگوارش مرحوم مبرور حاجی سیدرضی لاریجانی طاب ثراه از حکمای نمره اول روزگار معروف در مراتب فضل و زهد و عرفان و تهجد و تشیع و تقدس و مقامات باطنیه و کمالات نفسانیه موصوف است فنون حکمت را با علوم غریبه کاملاً دارا بوده شرح حالات آن سید جلیل و آن حکیم نبیل در جای خود و کتب تواریخ این عهد ثبت است و این کتاب زیاده بر این را گنجایش ندارد. بالجمله ولادت شمس الادبای در سنه هزار و دویست و پنجاه و سه هجری و مولدش تا به سن چهارده سالگی از ایام نشو و نمایش در دار السلطنه اصفهان بعد از آن تاکنون دار الخلافة را مسکن نموده. بعد از فوت پدر جلیل به شرف مصاهرت جناب مستطاب قدوة الحکماء و المتألهین و زیادة العرفاء و المدققین وحید العصر و فرید الدهر فیلسوف کامل حکیم الهی زید افضاله فایز شده و در ظل مرحمت آن جناب تربیت گشته و به تحصیل علوم و کمال کوشیده...^۴

۱. الهی؛ اسناد و فرمان‌های تاریخی دودمان الهی؛ ص ۵۷ و ۷۱.

۲. با وجود این سند، نمی‌دانم به چه دلیلی در حاشیه مجمع الفصحا مرقوم شده است که «ترجمه شمس الادبای و شعرهای او بعد از مؤلف به کتاب افزوده شده است» (هدایت؛ مجمع الفصحا؛ ج ۲، ص ۶۶۵).

۳. دیوان بیگی؛ حدیقة الشعراء؛ ص ۸۷۱.

۴. هدایت؛ مجمع الفصحا؛ ج ۲، ص ۶۶۵.

محل دفن لاریجانی

یکی از موارد مهمی که در کتاب بدون ذکر سند رها شده است، بیان دفن سیدرضی در صحن امامزاده طاهر (ع) در شهری است.^۱

۱-۴. مرتبطان با سیدرضی لاریجانی

مناسب است که در یک تألیف این چنینی، در خصوص برخی از افرادی که لاریجانی با آنها مرتبط بوده است، تأمل بیشتری صورت گیرد.

میرزا اسماعیل مستوفی و سیدرضی لاریجانی

با توجه به اینکه دعوت سیدرضی لاریجانی به تهران از سوی میرزا اسماعیل مستوفی گرکانی بوده است، مناسب بود که مؤلفان محترم باب بحثی را در خصوص وی و کاوشی در خصوص نسبت وی و سیدرضی می‌گشودند؛ برای نمونه عبدالله مستوفی (نوه میرزا اسماعیل مستوفی) در شرح زندگانی من در مواردی به جد خود اشاره کرده است. نمونه‌ای از آن در آنجاست که می‌گوید: «میرزا اسماعیل با این قدرت در مالیه دولت، جاه‌طلبی نداشت و خیلی ساده زندگی می‌کرد. ضیاع و عقاری برای خود تدارک ندیده و شاید خانه او هم اجاره‌ای بود؛ همین قدر که هفت - هشت نفر اولاد خود را می‌توانست به آبرومندی بزرگ کند، قانع بود».^۲

نکته‌ای که در این میان از چشم مؤلفان دورمانده است، نقل نشدن کامل گزارش اعتمادالسلطنه است که پس از سکنی‌گزیدن سیدرضی در منزل میرزا اسماعیل و الحاق عیال و اولادش به او، بیان می‌کند: «پس در خانه جداگانه همی بیود تا در یک‌هزار و دویست و هفتاد رحلتش اتفاق افتاد».^۳

درویش کافی

درویش حسن کافی مشهور به شاه کافی، از بزرگان اهل معنا در روزگار لاریجانی و مورد ارادت او و طبق آنچه نویسنده ذکر می‌کند، مورد توجه عالمانی همچون محمدتقی رازی (م ۱۲۴۸ ق) و حجة الاسلام شفتی (۱۲۶۰ ق) بوده است.^۴ با توجه به شخصیت تأثیرگذار درویش، جای آن بود

۱. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۵۰.

۲. مستوفی؛ شرح زندگانی من؛ ص ۵۴.

۳. اعتمادالسلطنه؛ چهل سال تاریخ ایران؛ ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

که نویسنده تحقیق مبسوط‌تری را در خصوص وی انجام می‌داد؛ برای نمونه مرحوم حسنعلی اصفهانی از ارادت محمدتقی رازی و ملاعلی اکبر اژه‌ای (۱۲۳۲ق) به ایشان یاد کرده است.^۱ در ادامه بار دیگر به ملاقات درویش کافی و سیدرضی اشاره خواهم کرد.

۱-۵. آثار مرتبط با سیدرضی لاریجانی

به نظر می‌رسد یکی از کاستی‌های جدی این نوشتار، فقدان منبع‌شناسی منسجمی درباره آثاری چون مدینه‌الآدب، جغرافیای اصفهان و المآثر و الآثار است. همچنین نبود گاه‌شماری دقیق از زندگی لاریجانی و فرزندانش، نقصی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. این کمبودها زمانی برجسته‌تر می‌شوند که بخش قابل توجهی از کتاب به موضوعات حاشیه‌ای اختصاص یافته است.

۲. اشکالات محتوایی

نگارش این کتاب با همه کوششی که در گردآوری و تحلیل داده‌ها انجام گرفته است، خالی از لغزش‌های محتوایی نیست. برخی گزاره‌های مطرح‌شده در آن با واقعیت‌های مسلم علمی و تاریخی ناسازگارند، برخی دیگر نیز بدون ذکر سند رها شده‌اند. در این بخش نمونه‌هایی از این اشکالات را یادآور می‌شوم.

۲-۱. گزاره‌های نادرست و غیرواقعی

ارائه چهره‌ای غیرواقعی از میرزا ابراهیم کلباسی (ره)

یکی از نکات تأمل‌برانگیز در کتاب سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران، تصویری است که از فقیه بزرگ عصر قاجار میرزا ابراهیم کلباسی (ره) ارائه شده است.^۲ در یادکرد از این شخصیت وارسته با عنوان «کلباسی فقیه شهر» و تعبیری همچون «فقیه رودرروی حکیم»، نوعی سیاه‌نمایی و تحقیر شخصیت علمی و اخلاقی میرزا کلباسی مشاهده می‌شود که با واقعیت‌های تاریخی هم‌خوانی ندارد؛ به‌طوری که خواننده ناآگاه گمان می‌کند میرزای کلباسی خصم قسم‌خورده فلسفه و عرفان بوده است. روشن است که بازنمایی شخصیت‌های تاریخی نباید با اغراض مکتبی یا سلیقه‌های عرفانی همراه باشد و آنچه در این کتاب آن هم با اختصاص

۱. مقدادی اصفهانی؛ نشان از بی‌نشانها؛ ج ۲، ص ۱۰۵ و ۱۶۶.

۲. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۹۹ - ۱۱۷.

یک فصل به این موضوع، رخ داده است، تحریفی تاریخی است از چهره میرزای کلباسی. نقد بازنمایی این چنین از میرزا ابراهیم کلباسی نه فقط دفاع از یک شخصیت علمی، بلکه دفاع از انصاف در تاریخ نگاری است؛ آن هم در دوره ای که بیش از هر زمان نیازمند بازخوانی منصفانه میراث فکری و فرهنگی خویش هستیم. در این باره باید به این نکات توجه داشت:

اول: میرزا ابراهیم کلباسی نه تنها مخالف فلسفه و عرفان نبود، بلکه با اعلام فلسفه و عرفان در عصر خود روابطی حسنه و دوستانه داشته است. او درباره تحصیلات و استادانش چنین نگاشته است:

این اقل عباد عمر را باین نحو صرف نمود و این قدر از فضای زمان را درک نمود که احدی ادراک نکرده اولاً تحصیل در نزد مرحوم والد ماجد با قدسیه نفس نموده بعد از آن مرحوم مبرور آغامحمد بیدآبادی و میرزا محمد علی میرزا مظفر که هریک از اوتاد ارض و ارکان بلاد بودند و هم چنین آخوند ملا مهدی نراقی و ملا محراب بلکه آخوند ملا علی نوری فی الجملة نورالله مراقدهم از اهل معقول ... و مع جمیع ذلک در عمر گریزان از فتوی و مرافعه و تصرف در اموال و ایتام و غائبین بوده ام مگر بقدر ضرورت و این معنی وصیت اهل بیت (علیهم السلام) و مشایخ عظام برد الله مضاجعهم بوده نمی داند چگونه می شود که هرکسی متصدی امور دین می شود با اینکه وحی الهی منقطع و خوارق عادات از میانه مرتفع آیا بوحی این مراحل مذکوره از برای او حاصل شده یا بخرق عادة^۱.

نوه ایشان، میرزا کمال الدین کلباسی نیز به اینکه حاجی ابراهیم از کودکی ملازم با آقامحمد بیدآبادی و تحت تربیت ایشان بود، تصریح کرده است.^۲

دوم: عجیب است که توجه نویسنده مطلب مزبور در نگارش این صفحات، به متن کتاب طرائف الحکمة توجه نکرده است که مؤلف (سیدرضی لاریجانی) از آقامحمد علی کرمانشاهی در قتل برخی از صوفیان نعمت الهی تمجید بسیار می کند؛ آنجا که می گوید:

هتک اسرار الربوبية کفر است؛ یعنی پرده دری کردن و بی محابا سخن راندن در معارفی که باید (در) پرده و حجاب باشد، کفر است. از اینجاست که اگر از

۱. کلباسی؛ رسائل المحقق الکلباسی؛ ص ۹۷۹ - ۹۸۰.

۲. همان، ص ۹۶۴ و ۹۷۰.

اینان کسی پرده‌داری نمایند، کاملین در مقام تصیحت و منع و زجرش بر می‌آیند، اگر باز دست از دیوانگی نکشد و اصرار داشته باشد، غیرت احدیه درصدد قتل و حدّش برآید از دست مبارک ... حجت.

... بینی و بین الله، علامة العلمائی رضوان جایگاه مولانا آقامحمدعلی بهبهانی، کمال بذل جهد را در اعلائی (اعتلائی) شریعت مقدسه فرموده که چند نفر ازین دیوانگان شطاحین هتاکین قتالین را کشت. اشهدالله و رسله و ملائکته که اجر جهاد فی سبیل الله دارد که در رکاب سعادت انتساب رسول و ولی صلوات الله علیهما به جا آورده باشد ...^۱

ادامه عبارات سیدرضی دراین باره بسیار قابل توجه است که به دلیل احتراز از تطویل، از بیان آن صرف نظر می‌کنم.

سوم: باید توجه داشت که مصدر نقل مواجهه میرزا ابراهیم کلباسی با سیدرضی لاریجانی، قصص العلماء تنکابنی است که نزد اهل فن، چندان اعتباری ندارد.

چهارم: درنهایت اینکه برخی از مطالبی که در خصوص تقابل کلباسی و لاریجانی در کتاب سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران بیان شده‌اند، صرفاً زائیده تخیلات نویسنده است و در قصص العلماء چنین مطلبی ذکر نشده است؛ نمونه آنجاست که نویسنده می‌گوید: «گویا در یکی از کلاس‌های درس لاریجانی که سخن از وحدت وجود می‌رفت، تنی چند از شاگردان می‌گویند: پاره‌ای از فقها عقیده "وحدت وجود" را مخالف معارف اسلام و اصول آنها می‌دانند. سیدرضی در پاسخ می‌گوید: اگر چنین است که می‌گویی، پس باید گفت که ملاها دین ندارند».^۲

رد ملاقات با درویش کافی در ابتدای جوانی

یکی از مواردی که می‌توان آن را اجتهادی بر خلاف نص تلقی کرد، آن است که نویسنده بیان عبرت نائینی در مورد ملاقات سیدرضی با درویش کافی در اووان جوانی سید را «بی‌تردید نادرست» می‌داند.^۳

۱. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۲۰۰ - ۲۰۱.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۱۴.

به نظر می‌رسد این ادعا عمدتاً در راستای داستان‌پردازی در خصوص تبعید لاریجانی به نجف‌آباد شکل گرفته است. نویسندگان با استناد به گزارش میرسیدعلی جناب در خصوص خانواده درویش کافی که «اهل چهارمحال و لر بوده‌اند، مهاجرت به نجف‌آباد کرده و در آنجا توطن جستند»، گمان کرده است که درویش همواره در نجف‌آباد اقامت داشت و ناگزیر ملاقات لاریجانی با وی باید در نجف‌آباد باشد و حضور لاریجانی در نجف‌آباد، تنها پس از تبعید وی صورت گرفته است.

کاملاً روشن است که این گمانه‌زنی‌ها مبنای صحیحی ندارد؛ به ویژه اینکه در ضمن گزارش میرسیدعلی جناب - که نویسندگان آن را ذکر کرده است - از ملاقات امام جمعه اصفهان با درویش کافی ذکری به میان آمده است! حال باید ادعا کرد که این ملاقات باید در نجف‌آباد صورت گرفته است؟ همچنین نویسندگان گزارش دیگری را در خصوص رفت و آمد شیخ محمدتقی ایوانکی (م ۱۲۴۸ق) به نجف‌آباد در پنج‌شنبه و جمعه برای دیدار درویش کافی ذکر کرده است. حال پرسش اینجاست که آیا دیدار لاریجانی در اوان جوانی با درویش در نجف‌آباد، امکان نداشته است؟ به هر حال ادعای عبرت‌ناثینی که حدود ۱۵ سال پس از وفات لاریجانی به دنیا آمده است، به راحتی قابل رد نیست.

۳۳۴

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

ادعای نابجا در خصوص ملاعلی نوری

در این کتاب ذیل تصویری منتسب به ملاعلی نوری، چنین بیان شده است: «ملاعلی نوری نخستین حکیمی است که عقاید شرعیه را بر قواعد حکمیه تطبیق داده است».^۱ نادرستی این ادعا بر هر خواننده‌ای که اطلاعات اندکی در باب فیلسوفان مسلمان داشته است، پنهان نیست.

۲-۲. ادعاهای غیرمستند و یا غیرمستدل

مکتب عرفانی تهران

ادعای شکل‌گیری یک مکتب عرفان در تهران با توجه به شاخصه‌هایی که برای نامیدن یک جریان فکری به عنوان مکتب داریم، با دشواری‌هایی جدی همراه است. اما در این کتاب، ادعای وجود چنین مکتبی به سهولت مطرح می‌شود و با تسامح مورد ذکر قرار گرفته است. به نظر می‌رسد حتی اگر ما وجود یک مکتب عرفانی در دوره قاجار را بپذیریم، چنین مکتبی پیش‌تر در اصفهان شکل گرفته است و تنها برخی از مدرسان آن مکتب - در فرض وجودش - به تهران نقل مکان کرده‌اند.

۱. همان، ص ۵۸.

ترسیم شجره عرفانی مکتب تهران در این کتاب^۱ نیز از نقاط ضعف این کتاب است که وجوه نادرستی و نقایص آن بر اهل فن پوشیده نیست.

شاگردی میرزا جعفر لواسانی نزد لاریجانی

نمونه دیگر از ادعاهای غیرمستند، بیان شاگردی میرزا جعفر لواسانی (حکیم الهی) نزد سیدرضی لاریجانی است^۲ که ضروری بود مستند این ادعا ذکر می‌شد. نویسنده در آثار متعدد خود بر این امر تصریح کرده است؛ اما پسان همین اثر، دست‌کم در آنچه به نظر نگارنده این سطور رسیده، ارجاعی صورت نگرفته است.^۳ اگر چنین مسئله‌ای مربوط به اسناد خانوادگی در دسترس ایشان باشد، مؤلف باید به چنین اسنادی ارجاع دهد. به‌رحال با توجه به اینکه «سید محمد شمس‌الادب» پسر سیدرضی لاریجانی داماد او بوده است و این وصلت نیز پس از وفات سیدرضی رخ داده است،^۴ از طرف دیگر، «حلیمه بیگم» دختر سیدرضی همسر پسر میرزا جعفر، میرزا شمس‌الدین حکیم الهی بوده است، معقول‌تر آن است که ادعا شود میرزا شمس‌الدین حکیم الهی شاگرد سیدرضی بوده است؛ به‌ویژه آنکه شرحی بر فصوص الحکم از او دیده شده است.^۵

۳۳۵

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

تردید در انتساب طرائف الحکمة به لاریجانی

یکی از موارد عجیب در کتاب، آن است که مؤلف در تمام کتاب بر پایه صحت انتساب «طرائف الحکمة»، مطالبی را در خصوص سیدرضی لاریجانی بیان کرده است و بهترین شاهد در این باره همان است که نویسنده ادعا می‌کند: «روی برگ اول، تملک نواده او به شکل زیر درج شده است:

بسم الله تعالى

قدوة السالکین فخرالمحققین و سید المتحکمین

مرحوم مبرور حاجی سیدرضی لاریجانی نورالله تربته، و انا العبد رضا بن محمد

بن محمدرضی الموسوی. تحریر فی شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۹۶.

سجع مهر بیضوی «رضا الموسوی»

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۳. رک: الهی؛ اسناد و فرمان‌های تاریخی دودمان الهی؛ ص ۷.

۴. هدایت؛ مجمع الفصحا؛ ج ۲، ص ۶۶۵.

۵. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

با این وجود، مؤلف در پایان بحث از «نگاهی به طرائف الحکمة»، به بهانه انتقاد مؤلف «طرائف الحکمة» از ابن عربی، ادعا می‌کند که نمی‌توان به طور قطع این رساله را به سیدرضی لاریجانی منسوب کرد.^۱

انتقاد مؤلف «طرائف الحکمة» به ابن عربی با ذکر عباراتی از فصوص الحکم آغاز می‌شود؛ جایی که ابن عربی می‌گوید پیامبر اسلام در رؤیا به او دستور داده کتاب فصوص را بنویسد و منتشر کند و او نیز از خداوند متعال درخواست می‌کند که در اظهار این کتاب از دستبرد ابلیس در امان باشد. لاریجانی با تأکید بر مقام والای امیرالمؤمنین (ع) در نزد پیامبر و نقش بی‌بدیل آن حضرت در عرفان اسلامی، معتقد است اگر واقعاً این کتاب به صورت فعلی اش از سوی پیامبر بود، باید پر از حکمت‌ها و معارف علوی می‌بود؛ درحالی‌که چنین نیست و در عوض از بایزید و خراز نقل قول شده و حتی شطحیاتی چون نجات فرعون در لحظه مرگ در آن آمده است که در آنها هتک اسرار ربوبی که از اظهار آنها مبالغه‌ای بسیار در منع شده، صورت گرفته است؛ اما مطلقاً سخنی از ولی مطلق خداوند متعال، امیرالمؤمنین نقل نشده است.

۳۳۶

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

لاریجانی این مسئله را نشانه عدم اجابت دعای ابن عربی می‌داند و می‌گوید: «حقیر قطع دارد که دعای او مستجاب نشد، که اگر در معرض اجابت آمدی، بایست که کلمات حکمت و حقایق سمات صادره از مولی‌الاستیقاء [علی (ع)] زینت بخش کتابش باشد و کتاب به این خوبی از کلام معجز نظام بی‌بهره نباشد. قطعاً پیغمبر خدا، کتابی خالی از زلال سلسبیل و افاضات ولی مطلق ... هرگز به کسی ندهد. پس نبودن افکار مشحون به اسرار، حاکی [از] اسقاطه شیطانی است و سوء ظن ... نداریم که نسبت جعل و کذب دهیم او را».^۲

تردید در انتساب «طرائف الحکمة» به دلیل وجود نقد پیش‌گفته به ابن عربی پذیرفتنی نیست و از یک عارف شیعی ابراز چنین انتقاداتی به ابن عربی بعید نیست؛ به‌ویژه اینکه مؤلف «طرائف الحکمة» با به‌کاربردن تعبیر «کتاب به این خوبی» بر ارزشمندی این کتاب تصریح کرده است و تنها مدعی آن است که برخی از معارف این کتاب مورد اسقاطه شیطانی قرار گرفته است و انتقادات این چنینی در بیانات آقامحمد رضا قمشه‌ای و برخی دیگر از عارفان شیعه مشاهده می‌شود. سیدجلال‌الدین آشتیانی حاشیه‌ای بر عبارتی از فصوص الحکم را بدین ترتیب ضبط کرده است: «وقد کتبت فی التعليقة ما يدفع به أمثال هذه الشبهات. وإن لم تنل أو

۱. همان، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۲۱۰.

أبیت عن قبول الحق للتأسي بأصحاب الضلال، فاحشر مع أحبئك الذين قد انصرفوا عن سبيل الحق.^۱ علامه حسن‌زاده آملی نیز در حاشیه بر همان عبارت می‌گوید: «شیخ صاحب عصمت نبود، و در اول کتاب تصریح کرد که گفت من رسول و نبی نیستم، ولی وارثم و حارس آخرتم و چون صاحب عصمت و رسول و نبی نیست، کشف او را که اخذ از حق تعالی است به حسب معتقد و سوابق انس و الفت اشتباهی روی آورد».^۲

به هر حال با توجه به آنچه در صدر نسخه آمده است و نیز نبود شاهی متعارض با اندیشه‌های سیدرضی لاریجانی و بلکه نمایان بودن روحیه عرفانی در این تألیف، دلیلی بر نفی انتساب این اثر به لاریجانی باقی نمی‌ماند.

انتساب ناپجای خطا به برخی از محققان

مؤلف بخشی از کتاب را به «خطاهای پژوهشگران» اختصاص داده است و یکی از خطاهای آن را خطای استاد شهید مطهری در خصوص عدم ذکر سیدرضی لاریجانی در طبقه بیست و نهم از حکمای دانند؛ چراکه ایشان در ذکر حکمای طبقه بیست و نهم به اسامی «میرزا حسن نوری»، «ملا اسماعیل واحدالعین»، «ملا عبدالله زنوزی»، «ملا جعفر لنگرودی» و «ملا آقای قزوینی» اکتفا کرده است!^۳

در حالی که اولاً ممکن است در منظر استاد شهید، سیدرضی لاریجانی در جایگاه یک عارف و نه حکیم تلقی می‌شده است؛ ازین رو نام وی را در زمره حکیمان طبقه بیست و نهم ذکر نکرده است. ثانیاً با توجه به اینکه طبقه بیست و نهم، شامل شاگردان ملاعلی نوری و معاصران آنها می‌شود، باید بیش از ۵۰ حکیم ذکر می‌شد و ایشان بنای بر احصای اسامی آنها را در بحث از «خدمات متقابل اسلام و ایران» نداشته است.

بر مؤلف بزرگوار این ایراد وارد است که مناسب بود به جای اختصاص صفحات فراوان به مسائل بسیاری حاشیه‌ای همچون ذکر زندگی‌نامه بسیاری از افراد که ربط مستقیمی به موضوع کتاب ندارند، در انتهای کتاب و یا مواردی همچون ارائه تصویری از جلد «شرح کردستانی بر مقدمه قیصری بر فصوص الحکم»^۴ تصویر نسخه «طرائف» را در کتاب می‌آورد و موارد ضروری همچون گاه‌شماری و ... را از قلم نمی‌نداخت.

۱. قیصری؛ شرح فصوص الحکم؛ ص ۹۵۵.

۲. حسن‌زاده آملی؛ ممدالهم؛ ص ۴۱۰.

۳. الهی، مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ ص ۱۵۹.

۴. همان، ص ۷۱.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)؛ تصحیح: ایرج افشار؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
- الهی، امیرسعید و مجتبی مقدسی؛ سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران؛ به پیوست: رساله طرائف الحکمة؛ تهران: سفیر اردهال، ۱۴۰۳ ش.
- الهی، امیرسعید؛ اسناد و فرمان‌های تاریخی دودمان الهی؛ قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- تحویلدار، میرزا حسین خان؛ جغرافیای اصفهان؛ به کوشش الهه تیرا؛ تهران: اختران، ۱۳۸۸ ش.
- تنکابنی، میرزاطاهر؛ «زندگی‌نامه برخی از حکما، عرفا و متکلمان»، در: نخبگان علم و عمل ایران؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۱ ش.
- حسن‌زاده آملی، حسن؛ ممدالهمم در شرح فصوص الحکم؛ تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۸ ش.
- حسن‌زاده آملی، حسن؛ هزار و یک کلمه؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- دیوان بیگی، سیداحمد؛ حدیقة الشعراء؛ به کوشش عبدالحسین نوائی؛ تهران: زرین، ۱۳۶۴-۱۳۶۶ ش.
- شیرازی، غلامحسین؛ افضل التواریخ؛ تصحیح: منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ش.
- صدوقی سها، منوچهر؛ تاریخ حکما و عرفای متأخر (تحریر ثانی)؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۱ ش.
- قمشه‌ای، محمدرضا؛ مجموعه آثار حکیم صهبا؛ تحقیق و تصحیح: حامد ناجی اصفهانی و خلیل بهرامی قصرچی؛ اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۷۸ ش.
- قیصری، داوود؛ شرح فصوص الحکم؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- کلباسی، محمد بن محمدابراهیم؛ رسائل المحقق الکلباسی؛ قم: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- مدرس زنوزی، آقاعلی؛ مجموعه آثار آقاعلی مدرس؛ قم: مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من؛ تصحیح: باقر مستوفی؛ تهران: زوار، ۱۳۸۴ ش.
- مصاحبی نائینی، محمدعلی؛ مدینه الأدب؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی؛ مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار؛ اصفهان: مؤسسه نشر نفایس مخطوطات، ۱۳۳۷ ش.
- مقدادی اصفهانی، علی؛ نشان از بی‌نشانها؛ تهران: جمهوری، ۱۳۷۳ ش.
- نصرآبادی، محمدطاهر؛ تذکرة نصرآبادی؛ تصحیح: وحید دستگردی؛ طهران: [بی‌نا]، ۱۳۱۷ ش.
- هدایت، رضاقلی خان؛ مجمع الفصحاء؛ به کوشش مظاهر مصفا؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- همایی، جلال‌الدین و سیدجلال‌الدین آشتیانی؛ مقدمه بر شرح المشاعر؛ در: شرح المشاعر محمدجعفر لاهیجی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.



سید رضی عالم ربانی لاریجانی

و مکتب عرفانی تهران

به پیوست:

رساله طرائف الحکمة

۱۲۶۰ ق.

به کوشش

امیر سعید الهی | مجتبی مقدسی

۳۳۹

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

